پرداخت یکسان کالابرگ به همه دهک‌ها روش مناسبی نیست؛

ضرورت اصلاح معیارهای شناسایی مشمولان کالابرگ



رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت: منابع محدود دولت باید ابتدا صرف حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند شود.

به گزارش زمان به نقل ازتسنیم، حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور درباره شمول طرح کالابرگ برای همه دهک‌های درآمدی اظهار کرد: در شرایط سخت اقتصادی، اولویت باید حمایت از اقشاری باشد که بیشترین فشار اقتصادی را تحمل می‌کنند و منابع محدود دولت باید در ابتدا به این گروه‌ها اختصاص یابد. وی افزود: نمی‌توان فردی را که از ثروت، درآمد کافی، مسکن و خودرو برخوردار است با خانواری که در مناطق محروم و روستاهای دورافتاده زندگی می‌کند یا خانواده‌ای که با معلولیت جسمی و ازکارافتادگی مواجه است، یکسان در نظر گرفت؛ چراکه چنین رویکردی با اقتضائات عدالت سازگار نیست.رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به تغییر رویکرد در نظام پرداخت یارانه‌ها گفت: سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها به سمت شناسایی افرادی حرکت کرده است که بیشترین آسیب اقتصادی را متحمل می‌شوند و استحقاق دریافت حمایت بیشتری دارند. پورمحمدی تأکید کرد: ابتدا باید منابع لازم برای تأمین معیشت و امکان زندگی آبرومندانه اقشار آسیب‌پذیر فراهم شود و پس از تأمین این سطح از حمایت، امکان گسترش حمایت‌ها به سایر گروه‌ها نیز بررسی خواهد شد. وی در پایان خاطرنشان کرد: روش‌هایی که بر اساس آن، منابع حمایتی به صورت یکسان و مساوی میان همه اقراد توزیع می‌شود، دیگر روش مناسبی نیست و رویکرد دولت باید به سمت حمایت متناسب با میزان نیاز و آسیب‌پذیری خانوارها حرکت کند.

ضرورت اصلاح معیارهای شناسایی مشمولان کالابرگ

شاهرخ رامین، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نیز با اشاره به بررسی افزایش اعتبار کالابرگ و اصلاح شیوه شناسایی مشمولان، ضمن تاکید بر ماده ۳۱ قانون برنامه هفتم پیشرفت گفت: دولت موظف بود با اجرای سیاست‌های حمایتی از جمله کالابرگ، زمینه تأمین حداقل ۲۳۸۰ کیلوکالری انرژی روزانه برای آحاد مردم را فراهم کند. وی تأکید کرد: منابع این حمایت‌ها پیش‌تر از طریق ارز ترجیحی تأمین می‌شد، اما با تغییر سیاست ارزی، دولت تصمیم گرفت منابع حاصل از حذف ارز ترجیحی را به‌صورت مستقیم در اختیار خانوارها قرار دهد. رامین با اشاره به محدودیت منابع مالی دولت تأکید کرد که حمایت‌های معیشتی باید به‌گونه‌ای هدفمند توزیع می‌شد که افراد نیازمند در اولویت قرار گیرند. عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: همچنین استفاده از آمار دقیق و شاخص‌های علمی، به‌ویژه شاخص‌های سلامت و رشد کودکان را اقدامی مثبت ارزیابی کرد و گفت که حمایت از مادران و کودکان بر اساس وضعیت تغذیه و سلامت آنان می‌توانست در بلندمدت به بهبود رشد جسمی و ذهنی نسل آینده منجر شود. رامین در ادامه با اشاره به بررسی معیارهای جدید پرداخت کالابرگ در جلسه کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مسئولان وی، نسبت به برخی شاخص‌های تعیین‌شده انتقاد کرد. صرف تعداد خودرو یا املاک خانوار نمی‌توانست معیار دقیقی برای تشخیص وضعیت اقتصادی افراد باشد، زیرا ارزش دارایی‌ها و نوع استفاده از آن‌ها نیز اهمیت دارد.به گفته وی، در معیارهای ارائه‌شده برای املاک، تفاوت ارزش چند املاک کوچک در مناطق محروم با املاک گران‌قیمت در مناطق برخوردار لحاظ نشده بود. رامین همچنین بر ضرورت تفکیک درآمد ماهانه از ثروت خانوار تأکید کرد و توضیح داد: ممکن بود زوج جوانی با مجموع درآمد ماهانه ۵۰ میلیون تومان، مستأجر و فاقد دارایی باشند، درحالی‌که برخی افراد با درآمد ماهانه کمتر، از ثروت قابل‌توجهی برخوردار بودند. عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی افزود: شناسایی دقیق وضعیت اقتصادی خانوارها کار ساده‌ای نبود و استفاده از شاخص‌های عینی سلامت، تغذیه و وضعیت کودکان می‌توانست به هدف‌مندتر شدن حمایت‌های دولت کمک کند. رامین از نیاز به تأکید بر ضرورت توزیع عادلانه منابع محدود کشور اظهار داشت: بسیاری از افرادی که نیازی به کمک میمنتی نداشتند، در صورت قطع یارانه خود با این تصمیم همراهی می‌کردند؛ زیرا اطمینان داشتند منابع آزادشده به افراد نیازمندتر اختصاص می‌یابد.

رد فرضیه تورم‌زایی دستمزد؛ ضرورت ترمیم مزد و مهار تورم

تلاش برای مهار تورم از طریق فریز کردن حقوق کارگران، تنها منجر به کاهش تقاضا و در نتیجه رکود تولید می‌شود.

به گزارش زمان به نقل ازتسنیم، در حالی که برخی متغیرهای اقتصادی به اشتباه با افزایش دستمزدها گره زده شده است، نمایندگان مجلس در دو حوزه اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کنند که ریشه‌های تورم در سیاست‌های کلان پولی و ارزی نهفته است، نه در حقوق کارگران. اکنون در شرایطی که کالا در بازار موجود است اما قیمت‌ها از دسترس اقشار آسیب‌پذیر خارج شده، ترمیم مزد و مدیریت هوشمندانه تورم، تنها راه خروج از بن‌بست میمیشتی و بازگشت رونق به تولید ملی است. یکی از باورهای غلط و تکراری در تحلیل‌های اقتصادی، نسبت دادن افزایش قیمت‌ها به افزایش دستمزدهاست. اما علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، با ارائه یک آمار نگاه‌دهنده، این فرضیه را رد کرد. وی اظهار داشت که سهم تصمیمات مربوط به دستمزدها در ایجاد تورم از ابتدای انقلاب تاکنون، حداکثر ۵درصد بوده است. این رقم نشان می‌دهد که متهم کردن حقوق کارگران به گرانی بازار، نه تنها از نظر علمی پذیرفته نیست، بلکه پوششی برای پنهان کردن ریشه‌های واقعی تورم است. از نظر کمیسیون اجتماعی مجلس، سیاست‌های نادرست پولی، نوسانات ارزی و ناترازی‌های بودجه‌ای، بازیگران اصلی افزایش قیمت‌ها هستند، نه دستمزد اندک کارگرانی که خود بیشترین آسیب را از این تورم دیده‌اند. با وجود این واقعیت‌های آماری، مسیر ترمیم دستمزدها با موانع اداری جدی روبروست. بابایی کارنامی تأکید کرد که با وجود پیگیری‌های مستمر مجلس و برگزاری جلسات در شورای عالی کار، موضوع به‌روزرسانی حقوق‌ها در بن‌بست مخالفت سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی قرار گرفته است. این بن‌بست در حالی رخ داده است که قدرت خرید کارگران و بازنشستگان روزبه‌روز در حال سقوط است. وی همچنین به اجرای ناقص سیاست کالابرگ اشاره کرد و هشدار داد که افت شدید مصرف مواد غذایی در میان اقشار کم‌درآمد، می‌تواند منجر به گسترش فقر و تهدید سلامت جامعه شود. به باور وی، نمی‌توان با بهانه ترس از تورم، از ضرورت ترمیم مزد چشم‌پوشی کرد. در کنار بحران دستمزدها، مسئله مدیریت بازار نیز مطرح است. مقصودی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، با نگاهی به وضعیت عرضه، عملکرد دولت را در تأمین کالاهای اساسی و مدیریت زنجیره تأمین، به‌ویژه در شرایط حساس جنگی، «مطلوب و قابل دفاع» دانست. اما وی با تفکیک میان «تأمین» و «قیمت»، تأکید کرد که دولت در مهار تورم و کنترل گرانی موفق عمل نکرده است. از نظر کمیسیون اقتصادی، این حقیقت که «کالا در بازار هست اما گران است»، نشان‌دهنده شکست در مدیریت قیمت‌هاست. مردم در شرایط بحرانی انتظار دارند دولت علاوه بر تأمین کالا، توانایی مهار قیمت‌ها را نیز داشته باشد تا دسترسی اقشار جامعه به نیازهای اولیه تضمین شود. جمع‌بندی دیدگاه‌های نمایندگان مجلس نشان می‌دهد که راه نجات اقتصاد کشور از مسیر «سرکوب دستمزدها» نمی‌گذرد. ریشه‌های تورم در چاپ بی‌رویه پول، ناترازی‌های بانکی و عدم ثبات ارزی است و تلاش برای مهار تورم از طریق فریز کردن حقوق کارگران، تنها منجر به کاهش تقاضا و در نتیجه رکود تولید می‌شود. ترمیم دستمزدها در کنار مدیریت صحیح تورم، یک «سیمرک اقتصادی» است: از یک سو معیشت کارگران بهبود می‌یابد و از سوی دیگر، افزایش قدرت خرید منجر به رونق بازار و تشویق تولیدکنندگان به تولید بیشتر می‌شود. بنابراین، اولویت دولت باید گذار از «توجیهات مزدی» به سمت «مدیریت ساختاری تورم» باشد تا عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی به طور هم‌زمان محقق شود.

صنایع راهبردی در تولید کشور حمایت ویژه شوند

دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، با تأکید بر ضرورت حمایت از واحدهای صنعتی آسیب‌دیده از جنگ گفت: نیاز است تا با تکمیل اقدامات کارشناسی انجام‌شده، منابع مالی و تسهیلات موردنیاز برای جبران خسارات و بازگشت این واحدها به چرخه تولید فراهم شود.

به گزارش زمان به نقل ازایرنا، آرمان خالقی با اشاره به پیگیری‌های صورت‌گرفته برای بررسی وضعیت واحدهای صنعتی آسیب‌دیده اظهار داشت: پس از وقوع جنگ، موضوع خسارات وارده به بخش صنعت و نحوه حمایت از واحدهای آسیب‌دیده به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت و در همین راستا، گزارش‌های متعددی تهیه شد و بررسی‌های میدانی، بازدید از واحدهای آسیب‌دیده و ارزیابی کارشناسی خسارات در دستور کار قرار گرفت. وی افزود: در این فرآیند، کارشناسان رسمی دادگستری میزان و نوع خسارات واردشده به واحدهای صنعتی را بررسی و گزارش‌های مربوط را تهیه کردند. به این ترتیب، اطلاعات قابل‌توجهی درباره واحدهای آسیب‌دیده، نوع خسارات و میزان آسیب‌های واردشده جمع‌آوری و استخراج شده است که می‌تواند مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری درباره نحوه حمایت و جبران خسارات باشد.دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران با اشاره به اهمیت جایگاه واحدهای صنعتی آسیب‌دیده در اقتصاد کشور تصریح کرد: بسیاری از مجموعه‌هایی که در جریان جنگ آسیب دیده‌اند، در بخش‌های مهم و راهبردی صنعت فعالیت می‌کنند. واحدهای فعال در صنایع پایین‌دستی نفت و گاز، پتروشیمی، قطعه‌سازی، ماشین‌سازی و تولید ماشین‌آلات، تجهیزات و قطعات صنعتی از جمله این مجموعه‌ها هستند. وی ادامه داد: این واحدها تنها تولیدکننده یک محصول یا تأمین‌کننده نیازهای صنعتی نیستند، بلکه بخش مهمی از زنجیره ارزش و زنجیره تأمین سایر واحدهای تولیدی کشور را تشکیل می‌دهند. به‌عنوان مثال واحدهای قطعه‌سازی و ماشین‌سازی در تأمین نیاز صنایع مختلف نقش موثری دارند و آسیب‌دیدن ظرفیت تولید آنها می‌تواند بر فعالیت سایر حلقه‌های زنجیره تولید نیز تاثیر بگذارد.خالقی خاطرنشان کرد: بازسازی این واحدها تنها به معنای جبران خسارت یک بنگاه اقتصادی نیست، بلکه اقدامی در راستای حفظ ظرفیت تولید ملی، استمرار فعالیت صنایع وابسته، صیانت از اشتغال و جلوگیری از اختلال در زنجیره تأمین کشور محسوب می‌شود. از این رو حمایت از این واحدها ضروری است و باید در برنامه‌های بازسازی و حمایت اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.خالقی با اشاره به اقدامات انجام‌شده از سوی برخی واحدهای صنعتی برای بازسازی تاسیسات و تجهیزات آسیب‌دیده گفت: در استان‌های مختلف، تعدادی از واحدهای تولیدی با اتکا به منابع داخلی، توان مالی و ظرفیت‌های فنی خود، اقدامات بازسازی را آغاز کرده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده عزم و توانمندی بخش خصوصی برای حفظ فعالیت‌های تولیدی و بازگشت سریع‌تر به شرایط عادی است.وی افزود: با این حال، ظرفیت مالی همه واحدها یکسان نیست و نمی‌توان انتظار داشت که تمامی بنگاه‌های آسیب‌دیده تنها با استفاده از منابع داخلی خود بتوانند خسارات وارده را جبران کنند. به‌ویژه در مورد واحدهایی که میزان خسارت آنها قابل‌توجه است، تأمین منابع مالی و دسترسی به تسهیلات مناسب می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در سرعت و کیفیت بازسازی داشته باشد. وی با اشاره به مطالبات مطرح‌شده از سوی فعالان صنعتی در استان‌ها، از جمله استان مرکزی، اظهار کرد: در جریان گفت‌وگوها و نشست‌هایی که با مسئولان استانی و استاندار استان برگزار شده، مشکلات و مطالبات واحدهای آسیب‌دیده مطرح شده است. فعالان صنعتی انتظار دارند نتایج بررسی‌ها و ارزیابی‌های انجام‌شده به برنامه‌های اجرایی و حمایت‌های مالی مشخص منتهی شود.

خالقی در ادامه با تشریح ابعاد خسارات وارده به بخش صنعت گفت: از ابتدای بررسی موضوع، تاکید ما بر این بوده است که خسارات ناشی از جنگ به واحدهای تولیدی باید در دو گروه اصلی مورد بررسی و جبران قرار گیرد.وی توضیح داد: گروه نخست، واحدهایی هستند که به‌صورت مستقیم یا تغییرمستقیم از نظر فیزیکی آسیب دیده‌اند. این خسارات ممکن است در اثر اصابت مستقیم به یک واحد صنعتی یا در نتیجه آسیب‌دیدن واحدهای مجاور و تاثیرات ناشی از آن ایجاد شده باشد. در این گروه، خسارات واردشده به ساختمان‌ها، تأسیسات، ماشین‌آلات، تجهیزات و زیرساخت‌های تولیدی باید مورد ارزیابی قرار گیرد و متناسب با میزان آسیب، برنامه بازسازی و جبران خسارت تدوین شود. وی افزود: گروه دوم، واحدهایی هستند که ممکن است مستقیم مورد اصابت قرار نگرفته باشند، اما در نتیجه شرایط ایجادشده پس از جنگ با خسارات و مشکلات اقتصادی و تولیدی مواجه شده‌اند. اختلال در تأمین مواد اولیه، دشواری در تهیه قطعات و تجهیزات، تغییر شرایط بازار، از دست رفتن بخشی از بازار فروش و اختلال در زنجیره تامین از جمله عواملی هستند که می‌توانند فعالیت این واحدها را تحت تأثیر قرار دهند.خالقی تاکید کرد: این دسته از خسارات نیز باید به رسمیت شناخته شود؛ چراکه آسیب‌های تغیرمستقیم جنگ می‌توانند حتی واحدهایی را که از نظر فیزیکی سالم مانده‌اند، با کاهش ظرفیت تولید، افزایش هزینه‌ها و مشکلات نقدینگی مواجه کند. بنابراین، سیاست‌های حمایتی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که هر دو گروه از واحدهای آسیب‌دیده، متناسب با نوع و میزان خسارت، امکان بهره‌مندی از حمایت‌های لازم را داشته باشند.

دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران با اشاره به اینکه برای هر دو گروه از واحدهای آسیب‌دیده، پیشنهادها و گزارش‌های کارشناسی تهیه شده است، گفت: در این زمینه، هم درباره خسارات مستقیم و هم درباره آثار تالویه و تغیرمستقیم جنگ بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، بررسی‌ها و گزارش‌هایی ارائه شده و ابعاد مختلف موضوع مورد توجه قرار گرفته است.وی ادامه داد: آنچه در مرحله بعد اهمیت دارد، تبدیل این بررسی‌ها و اطلاعات کارشناسی به برنامه‌های اجرایی و اختصاص منابع موردنیاز است. در واقع، پس از شناسایی واحدها، تعیین نوع خسارت و برآورد میزان آسیب، باید سازوکار مشخصی برای جبران خسارات، تأمین سرمایه در گردش و تأمین منابع موردنیاز بازسازی در نظر گرفته شود. خالقی با اشاره به ضرورت نقش‌آفرینی دولت و نظام بانکی در این فرآیند تصریح کرد: انتظار می‌رود دستگاه‌های مسئول، به‌ویژه بانک مرکزی و شبکه بانکی، درباره سازوکار تأمین منابع و تسهیلات موردنیاز واحدهای صنعتی آسیب‌دیده تصمیم‌گیری کنند. لازم است مشخص شود منابع مالی از چه محلی تأمین خواهد شد، چه تسهیلاتی در اختیار بنگاه‌ها قرار می‌گیرد و فرآیند تخصیص این منابع با چه زمان‌بندی و اولویت‌هایی انجام خواهد شد.

خالقی با تاکید بر اینکه بخش صنعت برای عبور از شرایط ایجادشده به حمایت هدفمند و متناسب با میزان خسارات نیاز دارد، بیان کرد: فعالان صنعتی نشان داده‌اند که برای حفظ تولید و بازسازی ظرفیت‌های آسیب‌دیده از انگیزه و توانمندی لازم برخوردارند. با این حال، حمایت مالی و تسهیلاتی دولت می‌تواند این روند را تسریع کند و مانع از طولانی‌شدن دوره توقف یا کاهش ظرفیت تولید واحدها شود. وی خاطرنشان کرد: با توجه به نقش این واحدها در تأمین نیاز سایر صنایع، حمایت از آنها باید به‌عنوان بخشی از برنامه حفظ و تقویت تولید ملی مورد توجه قرار گیرد. انتظار ما این است که با بهره‌گیری از گزارش‌های کارشناسی تهیه‌شده، اولویت‌بندی واحدهای آسیب‌دیده و همکاری دولت، بانک مرکزی و نظام بانکی، برنامه‌های عملیاتی و زمان‌بندی‌شده برای جبران خسارات و بازسازی صنایع تدوین و اجرا شود. به گفته دبیرکل خانه صنعت، معدن و تجارت ایران، تسریع در این فرآیند علاوه بر کمک به بازگشت واحدهای آسیب‌دیده به چرخه تولید، زمینه حفظ اشتغال، استمرار فعالیت صنایع وابسته، تقویت زنجیره تأمین و صیانت از ظرفیت‌های صنعتی کشور را فراهم خواهد کرد.

نگاه روز

بودجه ۱۴۰۶ در محاصره کسری و رکود

در سناریوی تداوم شرایط فعلی، حتی جلوگیری از افزایش تعداد کارگران اخراج‌شده و حفظ اشتغال موجود نیز می‌تواند یک هدف واقع‌بینانه برای دولت باشد. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار اقدامات گسترده‌تر در حوزه سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها را داشت.

بخشنامه بودجه ۱۴۰۶ که هفته پیش از سوی دولت ابلاغ شد، در شرایطی بر مهار تورم، ثبات اقتصادی، بازسازی زیرساخت‌ها، اشتغال‌زایی و حمایت از بخش خصوصی تأکید دارد که اقتصاد ایران با مجموعه‌ای از محدودیت‌های جدی از تحریم و محاصره اقتصادی گرفته تا کسری بودجه، محدودیت منابع ارزی، رکود تولید و افزایش بدهی‌های دولت، روبه‌روست. پرسش اصلی این است که آیا اهداف ترسیم‌شده در این بخشنامه با ظرفیت واقعی اقتصاد ایران و منابع در دسترس دولت تناسب دارند؟

محمدتقی قیاسی، تحلیلگر اقتصاد سیاسی و کارشناس اقتصاد کلان معتقد است اگرچه بخشنامه بودجه بدرستی به بسیاری از مشکلات اصلی کشور اشاره کرده اما برای تحقق این اهداف راهکار واقع‌بینانه‌ای ارائه نمی‌دهد. به باور او، دولت باید بودجه سال آینده را بر اساس عملکرد واقعی درآمدهای نفتی، مالیاتی و افزایش اوراق تنظیم کند و برای شرایط موجود نیز سناریویی مستقل و واقع‌بینانه در نظر بگیرد. قیاسی با اشاره به ضرورت تعیین اولویت‌های کشور پیش از تدوین بودجه می‌گوید: نخستین مسئله این است که باید اولویت‌های کشور مشخص شود و بخشنامه بودجه نیز متناسب با همین اولویت‌ها تنظیم شود. مسئله بعدی آن است که بدانیم این جهت‌گیری‌ها تا چه اندازه در لایحه بودجه انعکاس پیدا می‌کنند و در نهایت، با توجه به شرایط خاص اقتصادی کشور، بودجه باید با چه رویکردی تدوین و به مجلس ارائه شود.او معتقد است بخشنامه بودجه ازنظر شناسایی مشکلات اصلی کشور، بااقتضائات بیگانه نیست. تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، تورم بالا، کاهش قدرت خرید خانوارها، ناترازی بانک‌ها، محدودیت منابع ارزی و فرسودگی زیرساخت‌های تولیدی از جمله مسائلی هستند که در این بخشنامه نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین مهار تورم، ایجاد ثبات اقتصادی، بازسازی زیرساخت‌ها، اشتغال‌زایی، حمایت از بخش خصوصی و کاهش هزینه‌های غیرضروری به‌عنوان محورهای اصلی بودجه مطرح شده‌اند؛ این حال، به گفته این کارشناس، مسئله اصلی نه شناسایی مشکلات، بلکه ارائه راهکار برای حل آنهاست. او تأکید می‌کند: بودجه زمانی می‌تواند به مهار تورم کمک کند که با کسری مواجه نشود. همچنین اگر قرار است منابعی برای بازسازی زیرساخت‌ها اختصاص پیدا کند باید منابع مالی کافی برای این کار وجود داشته باشد. در شرایط فعلی شرح مشخص نیست مشارکت بخش خصوصی تا چه اندازه بتواند به کمک دولت بیاید. قیاسی درباره حمایت از خانوارها نیز معتقد است تا زمانی که دولت خود از طریق کسری بودجه و شیوه تأمین مالی آن به ایجاد تورم دامن می‌زند، حمایت‌های مقطعی نمی‌تواند مشکل کاهش قدرت خرید مردم را برطرف کند. در واقع دولت از یک طرف با سیاست‌های مالی تورم‌زا قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر تلاش می‌کند بخشی از این زیان را از طریق حمایت‌های مختلف جبران کند؛ در حالی که روند تضعیف قدرت خرید همچنان ادامه خواهد داشت. این تحلیلگر اقتصاد سیاسی دربارهٔ احتمال تحقق اهداف بخشنامه در لایحه بودجه نیز چندان خوش‌بین نیست. به اعتقاد او، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که میان اهداف اعلام‌شده در اسناد و برنامه‌های دولتی با آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، فاصله زیادی وجود دارد.او می‌گوید مهار تورم، افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه‌های غیرضروری همواره در اسناد و برنامه‌های مختلف مورد تأکید قرار گرفته‌اند، اما در عمل سیاست‌هایی که بتوانند این اهداف را محقق کنند به اندازه کافی اجرا نشده‌اند.قیاسی با اشاره به سهم بالای هزینه‌های جاری در بودجه دولت توضیح می‌دهد که احتمالاً بخش بزرگی از منابع بودجه سال آینده صرف پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان خواهد شد. در چنین شرایطی، دولت برای تأمین هزینه‌های خود همچنان با محدودیت روبه‌رو خواهد بود و نمی‌توان انتظار داشت که بدون اتکا به منابع بانکی و استقراض، اهداف اعلام‌شده در بخشنامه را محقق کند.او در ادامه می‌گوید که بودجه سال آینده باید بیشتر بیان‌کننده واقعیت‌ها باشد تا صرفاً بیان آرزوها و شعارهایی است که برای اقتصاد کشور در نظر گرفته شده است. اما مهم است لایحه‌ای که در نهایت به مجلس ارائه می‌شود، بتواند با این هدف‌گذاری‌ها تناسب داشته باشد. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت تمام مواردی که در بخشنامه مطرح شده، در بودجه نهایی نیز محقق شود.قیاسی در ادامه با اشاره به شرایط خاص اقتصاد ایران، از جمله محاصره اقتصادی، محدودیت منابع ارزی، کسری بودجه و رشد بدهی‌های دولت، معتقد است بودجه سال آینده باید بر اساس دو سناریوی متفاوت تنظیم شود.نخست، تداوم وضعیت فعلی و دوم، احتمال توقف تحریم‌ها و جنگ و ایجاد ثبات‌هایی در مناسبات اقتصادی. به اعتقاد او، دولت باید در سناریوی واقع‌بینانه، درآمدهای نفتی را بر اساس عملکرد واقعی ماه‌های اخیر پیش‌بینی کند، نه بر مبنای آرمان‌گرایانه‌ترین فرض در شرایط عادی. به همین دلیل میزان فروش نفت در نه ماهه گذشته باید یکی از مبناهای اصلی برآورد در آمدهای نفتی در بودجه آتی قرار بگیرد. در بخش درآمدهای مالیاتی نیز نمی‌توان بدون توجه به وضعیت تولید و رشد اقتصادی، افزایش قابل توجهی را پیش‌بینی کرد. قیاسی با اشاره به رشد منفی ۱۰ درصدی اقتصاد در سه‌ماهه نخست سال می‌گوید در صورت ادامه شرایط فعلی، نمی‌توان انتظار داشت فعالیت بنگاه‌ها بهبود پیدا کند و سودآوری آنها افزایش یابد. بنابراین افزایش درآمدهای مالیاتی از محل اقتصاد غیرمتمرکز بنگاه‌های تولیدی، چندان واقع‌بینانه نیست. او مستقلت دولت به‌جای افزایش فشار مالیاتی بر بخش تولید باید به سراغ بخش‌هایی برود که تاکنون سهم متناسبی در پرداخت مالیات نداشته‌اند؛ از جمله برخی تهاتدها و بنادرهایی که مالیات‌ستانی از آنها با دشواری همراه است. در غیر این صورت، با توجه به رکود عمیق اقتصادی، تبدید انتظار افزایش چشمگیر درآمدهای مالیاتی در سال ۱۴۰۶ را داشت.این کارشناس درباره درآمدهای حاصل از اوپرش اوراق مالی تیز تأکید می‌کند که دولت باید عملکرد واقعی بازار در ماه‌های اخیر را مبنای پیش‌بینی خود قرار دهد. به گفته او، نمی‌توان با اتکا بر فروش خرید تحمیلی اوراق از سوی شبکه بانکی، درآمدهای قابل توجهی برای دولت در این بخش در نظر گرفت. برآورد منابع حاصل از اوپرش اوراق باید صرفاً بر اساس آنچه در عمل امکان تحقق دارد، انجام شود.قیاسی درباره سمت مصارف بودجه نیز معتقد است در شرایط فعلی، حتی تأمین کامل هزینه‌های جاری و حقوق کارکنان دولت با محدودیت‌هایی روبه‌رو خواهد بود و در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت منابع قابل توجهی برای طرح‌های عمرانی اختصاص پیدا کند.او با اشاره به عقب‌ماندگی طرح‌های عمرانی می‌گوید در وضعیت موجود، بسیاری از این طرح‌ها عملاً با توقف یا تأخیر مواجه خواهند بود. بنابراین دولت باید به‌جای تعریف انتظارات بزرگ و غیرقابل تحقق، بر حفظ ظرفیت‌های موجود تولیدی و جلوگیری از تعطیلی کارگاه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متمرکز شود.به اعتقاد این کارشناس، در سناریوی تداوم شرایط فعلی، حتی جلوگیری از افزایش تعداد کارگران اخراج‌شده و حفظ اشتغال موجود نیز می‌تواند یک هدف واقع‌بینانه برای دولت باشد. او تأکید می‌کند که در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار اقدامات گسترده‌تر در حوزه سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها را داشت.قیاسی در نهایت، نتیجه می‌گیرد که اگر قرار باشد شرایط فعلی اقتصاد ایران در سال آینده نیز ادامه پیدا کند، بودجه ۱۴۰۶ باید با رویکردی انقباضی تنظیم شود به گفته او، با توجه به افزایش شدید تورم، کنترل انتشارهای تورمی نیز مستلزم آن است که دولت تا حد امکان از گسترش هزینه‌ها و ایجاد کسری بودجه جلوگیری کند.این تحلیلگر در مقابل سناریوی دوم را مبتنی بر احتمال توقف جنگ و تحریم‌ها و ایجاد ثبات‌هایی در مناسبات اقتصادی کشور می‌داند. در چنین شرایطی، با بروز منابع ارزی به کشور و بازگشت امکان فروش عادی نفت، وضعیت درآمدی دولت می‌تواند به شکل محسوسی بهبود پیدا کند. به اعتقاد قیاسی، در صورت تحقق این سناریو، علاوه بر افزایش درآمدهای نفتی، امکان بهبود فعالیت اقتصادی بنگاه‌ها و افزایش درآمدهای مالیاتی نیز افزایش خواهد شد. همچنین دولت می‌تواند با گسترش پایه‌های مالیاتی، منابع بیشتری تجهیز کند.او می‌گوید در چنین شرایطی، پس از تأمین هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر دولت، امکان اختصاص منابع به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مختلف کشور نیز فراهم می‌شود. بازسازی بخش‌هایی که در جریان جنگ آسیب دیده‌اند، تخصیص منابع بیشتر به طرح‌های عمرانی و حمایت از رونق تولید نیز می‌تواند در دستور کار قرار بگیرد. در این سناریو، افزایش درآمدهای نفتی همچنین می‌تواند به کنترل کسری بودجه کمک کند و دست دولت را برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای بازتر بگذارد. با این حال، پیام اصلی قیاسی برای تدوین بودجه سال آینده روشن است: دولت نباید بودجه را بر اساس آرزوها و پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه بنویسد. اگر شرایط فعلی ادامه پیدا کند، بودجه‌ای انقباضی و مبتنی بر درآمدهای قابل تحقق، نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی برای جلوگیری از تشدید کسری بودجه و انتشارهای تورمی خواهد بود.منبع: خبر آنلاین

zamanagahi@chmail.ir